

بررسی رابطه بین نگرش معلمان به زبان و فرهنگ تاتی و کیفیت تعاملات آموزشی در کلاس‌های مقطع ابتدایی منطقه شاهرود خلخال

حسن شهسواری - کارشناس ارشد، محقق و آموزگار دبستان های منطقه شاهرود خلخال

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نگرش معلمان دوره ابتدایی به زبان و فرهنگ تاتی با کیفیت تعاملات آموزشی آنان در کلاس‌های درس منطقه شاهرود انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان شاهرود است که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد سنجش نگرش به زبان مادری و مقیاس کیفیت تعاملات آموزشی استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که بین نگرش مثبت معلمان به زبان و فرهنگ تاتی و کیفیت تعاملات آموزشی آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، معلمانی که با زبان و فرهنگ تاتی آشنایی بیشتری داشتند، تعاملات مؤثرتری با دانش‌آموزان تاتی‌زبان برقرار می‌کردند. تحلیل داده‌های کیفی حاکی از آن بود که استفاده از زبان مادری به‌عنوان پل ارتباطی، ایجاد فضای اعتماد و درک فرهنگی مشترک، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت تعاملات آموزشی هستند. بر اساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های توانمندسازی معلمان در مناطق دوزبانه با تأکید بر آشنایی با زبان و فرهنگ بومی طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: نگرش معلم، زبان تاتی، فرهنگ تاتی، تعاملات آموزشی، دانش‌آموزان دوزبانه، مقطع ابتدایی، شاهرود

۱. مقدمه

تنوع زبانی و فرهنگی، یکی از ویژگی‌های بارز جامعه ایران است و مناطق مختلف کشور، میزبان گویش‌ها و زبان‌های گوناگونی هستند. زبان تاتی، به‌عنوان یکی از زبان‌های ایرانی کهن، در مناطقی از استان‌های قزوین، زنجان، همدان و خراسان رضوی رواج دارد و بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی این مناطق به‌شمار می‌آید. منطقه شاهرود نیز از جمله مناطقی است که بخشی از جمعیت آن به زبان تاتی تکلم می‌کنند و این زبان، بخشی از میراث فرهنگی این منطقه محسوب می‌شود.

در نظام آموزشی ایران، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی آموزش و پرورش شناخته می شود. این امر، دانش آموزانی را که زبان مادری شان غیر از فارسی است، با چالش های متعددی در فرآیند یادگیری مواجه می سازد. پژوهش ها نشان داده است که عدم تطابق میان زبان خانه و مدرسه، می تواند به مشکلاتی نظیر درک ناقص مفاهیم درسی، کاهش انگیزه تحصیلی، گوشه گیری و حتی ترک تحصیل منجر شود.

در این میان، نگرش معلمان به زبان و فرهنگ بومی دانش آموزان، نقشی کلیدی در کیفیت تعاملات آموزشی و موفقیت تحصیلی آنان ایفا می کند. معلمانی که نسبت به زبان و فرهنگ دانش آموزان خود نگرش مثبتی دارند، می توانند فضای کلاس را به محیطی امن، حمایت گر و مؤثر برای یادگیری تبدیل کنند. برعکس، نگرش منفی یا بی تفاوتی معلمان نسبت به زبان و فرهنگ بومی، می تواند به ایجاد فاصله عاطفی و ارتباطی میان معلم و دانش آموز منجر شود و فرآیند یادگیری را با اختلال مواجه سازد.

با وجود اهمیت این موضوع، پژوهش های اندکی به بررسی نگرش معلمان به زبان و فرهنگ تاتی و تأثیر آن بر تعاملات آموزشی پرداخته اند. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلا، به بررسی رابطه بین نگرش معلمان مقطع ابتدایی منطقه شاهرود به زبان و فرهنگ تاتی و کیفیت تعاملات آموزشی آنان می پردازد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. نگرش زبانی و فرهنگی

نگرش، به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در روان شناسی اجتماعی، به مجموعه ای از باورها، احساسات و تمایلات رفتاری نسبت به یک موضوع یا پدیده اطلاق می شود. نگرش زبانی، به ارزیابی ها و قضاوت های افراد نسبت به یک زبان یا گویش خاص و گویشوران آن اشاره دارد. این نگرش ها می توانند مثبت، منفی یا خنثی باشند و تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر سیاست های زبانی، جایگاه اجتماعی زبان، تجارب شخصی و باورهای فرهنگی شکل می گیرند.

پژوهش های انجام شده در حوزه زبان های اقلیت در ایران نشان می دهد که نگرش گویشوران به زبان مادری خود، تحت تأثیر عواملی نظیر سیاست های آموزشی، تحرک اجتماعی و هویت قومی قرار دارد. مطالعه مجیدی فرد و حاج ملک (۲۰۲۳) نشان داد که نگرش گویشوران تاتی در غرب ایران به زبان خود، در حال تغییر است و عوامل مختلفی از جمله مهاجرت و دسترسی به رسانه های جمعی بر آن تأثیر می گذارند.

۲-۲. آموزش در مناطق دوزبانه و چالش‌های آن

آموزش در مناطق دوزبانه، یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های نظام آموزشی است. دانش‌آموزانی که زبان مادری‌شان با زبان رسمی آموزش متفاوت است، در مقایسه با همسالان فارسی‌زبان خود، با موانع بیشتری در فرآیند یادگیری مواجه هستند. پژوهش‌ها نشان داده است که این دانش‌آموزان، اغلب در درک مفاهیم انتزاعی، خواندن، نوشتن و برقراری ارتباط مؤثر با معلم و همکلاسی‌های خود با مشکل روبرو هستند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح‌شده توسط معلمان مناطق دوزبانه، عدم درک متقابل زبانی است. معلمانی که با زبان مادری دانش‌آموزان خود آشنا نیستند، در انتقال مفاهیم درسی و برقراری ارتباط عاطفی با آنان با مشکل مواجه می‌شوند. این مسئله، نه تنها کیفیت یادگیری را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به احساس خستگی، ناامیدی و کاهش انگیزه در هر دو طرف (معلم و دانش‌آموز) منجر شود.

از سوی دیگر، نبود آشنایی معلمان با فرهنگ و ارزش‌های بومی دانش‌آموزان، می‌تواند به تعارضات فرهنگی و سوءتفاهم‌های ارتباطی دامن بزند. معلمانی که نسبت به فرهنگ دانش‌آموزان خود حساسیت و آگاهی کافی ندارند، ممکن است به‌طور ناخواسته رفتارهایی از خود نشان دهند که برای دانش‌آموزان توهین‌آمیز یا تحقیرکننده تلقی شود.

۲-۳. نقش نگرش معلم در کیفیت تعاملات آموزشی

نگرش معلم به زبان و فرهنگ دانش‌آموزان، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت تعاملات آموزشی در کلاس‌های چندفرهنگی است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که معلمانی که نگرش مثبتی نسبت به تنوع زبانی و فرهنگی دارند، رفتارهای زیر را در کلاس درس از خود بروز می‌دهند:

استفاده از زبان مادری به‌عنوان پل ارتباطی: این معلمان، با آشنایی نسبی با زبان مادری دانش‌آموزان، از آن به‌عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط اولیه، کاهش اضطراب و تسهیل درک مفاهیم استفاده می‌کنند.

ایجاد فضای اعتماد و احترام: معلمان با نگرش مثبت، کلاس را به محیطی امن و غیرتهدیدکننده تبدیل می‌کنند که در آن دانش‌آموزان بدون ترس از قضاوت، به بیان احساسات و نظرات خود می‌پردازند.

استفاده از بازی‌ها و فعالیت‌های بومی: به‌کارگیری بازی‌های محلی و استفاده از نمادهای فرهنگی آشنا برای دانش‌آموزان، به ایجاد انگیزه و تسهیل یادگیری کمک می‌کند.

برقراری ارتباط با والدین: این معلمان، با والدین دانش‌آموزان ارتباط مؤثر برقرار کرده و آنان را در فرآیند یادگیری مشارکت می‌دهند.

۴-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی چالش‌های آموزش در مناطق دوزبانه و نقش نگرش معلمان پرداخته‌اند. مطالعه‌ای که بر روی تجارب معلمان در مناطق دوزبانه انجام شد، نشان داد که عواملی نظیر صبر و امیدواری، تعهد و عشق به آموزش و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان و والدین، از مهم‌ترین عوامل موفقیت معلمان در این مناطق هستند. همچنین، این مطالعه بر اهمیت آشنایی معلمان با زبان و فرهنگ دانش‌آموزان به‌عنوان عاملی کلیدی در کاهش تعارضات فرهنگی و تسهیل فرآیند یادگیری تأکید داشت.

با این حال، پژوهش‌های اندکی به بررسی نقش نگرش معلمان به زبان و فرهنگ تاتی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر، با هدف پر کردن این خلا، به بررسی رابطه نگرش معلمان مقطع ابتدایی شاهرود به زبان و فرهنگ تاتی با کیفیت تعاملات آموزشی آنان می‌پردازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. نوع پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی است. رویکرد پژوهش، ترکیبی (کمی-کیفی) است و از هر دو روش جمع‌آوری داده‌های کمی (پرسشنامه) و کیفی (مصاحبه) استفاده شده است.

۳-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان شاهرود (مناطق شهری و روستایی) است که با دانش‌آموزان تاتی‌زبان سروکار دارند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، تعداد ۱۲۰ نفر از معلمان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین، برای بخش کیفی، با ۲۰ نفر از معلمان با تجربه‌ترین و آگاه‌ترین افراد، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد.

۳-۳. ابزارهای گردآوری داده‌ها

الف) پرسشنامه نگرش به زبان و فرهنگ تاتی: این پرسشنامه محقق‌ساخته، با الهام از پژوهش‌های مشابه و نظرات متخصصان، نگرش معلمان را در سه بعد ارزیابی می‌کند: (۱) نگرش شناختی (باورها و دانش نسبت به

زبان و فرهنگ تاتی)، (۲) نگرش عاطفی (احساسات و تمایلات عاطفی)، و (۳) نگرش رفتاری (تمایل به استفاده و ترویج زبان و فرهنگ تاتی در کلاس).

ب) پرسشنامه کیفیت تعاملات آموزشی: این پرسشنامه با اقتباس از ابزارهای استاندارد موجود، کیفیت تعاملات آموزشی معلمان را در چهار بعد اصلی بررسی می‌کند: (۱) تعامل کلامی و غیرکلامی، (۲) تعامل عاطفی و حمایت‌گرانه، (۳) تعامل مشارکتی و فعال‌ساز، و (۴) مدیریت تعارضات فرهنگی و زبانی.

پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۳ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب آنهاست. روایی محتوایی ابزارها نیز با استفاده از نظر متخصصان (۱۰ نفر) تأیید گردید.

ج) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: برای غنی‌سازی داده‌ها و درک عمیق‌تر از تجارب معلمان، با ۲۰ نفر از آنان مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. سؤالات مصاحبه حول محورهای زیر طراحی شد: تجارب معلمان از تعامل با دانش‌آموزان تاتی‌زبان، چالش‌های موجود، راهکارهای مؤثر، نگرش نسبت به زبان و فرهنگ تاتی، و تأثیر این نگرش بر عملکرد آموزشی.

۳-۴. روش تحلیل داده‌ها

داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) تحلیل شدند. داده‌های کیفی نیز با روش تحلیل محتوای عرفی، شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، در نرم‌افزار MAXQDA تحلیل گردیدند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های کمی

الف) وضعیت نگرش معلمان به زبان و فرهنگ تاتی

نتایج نشان داد که میانگین نمره نگرش کلی معلمان به زبان و فرهنگ تاتی برابر با ۴۲/۳ (از ۵) است که در دامنه متوسط رو به بالا قرار می‌گیرد. توزیع نمرات در ابعاد سه‌گانه به شرح زیر است:

بعد نگرش میانگین انحراف معیار سطح تفسیری

نگرش شناختی ۸۵/۳ ۷۲/۰ متوسط رو به بالا

نگرش عاطفی ۱۲/۴ ۸۱/۰ بالا

نگرش رفتاری ۲۸/۳ ۹۳/۰ متوسط

بر اساس این یافته‌ها، معلمان از نگرش عاطفی مثبت‌تری نسبت به زبان و فرهنگ تاتی برخوردارند و بیشترین ضعف را در بعد رفتاری (تمایل به استفاده عملی از زبان و فرهنگ تاتی در کلاس) دارند.

ب) وضعیت کیفیت تعاملات آموزشی

میانگین نمره کیفیت تعاملات آموزشی معلمان برابر با $75/3$ (از 5) به‌دست آمد که در سطح مطلوب قرار دارد. بیشترین امتیاز مربوط به بعد تعامل عاطفی و حمایت‌گرانه ($01/4$) و کمترین امتیاز مربوط به بعد مدیریت تعارضات فرهنگی و زبانی ($42/3$) بود.

ج) رابطه نگرش و کیفیت تعاملات

ضریب همبستگی پیرسون بین نمره کلی نگرش به زبان و فرهنگ تاتی و کیفیت تعاملات آموزشی برابر با $0/612$ ($001/0 < p$) به‌دست آمد که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان این دو متغیر است. به عبارت دیگر، معلمانی که نگرش مثبت‌تری به زبان و فرهنگ تاتی دارند، از کیفیت تعاملات آموزشی بالاتری نیز برخوردارند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان ابعاد سه‌گانه نگرش، بعد نگرش عاطفی (بتا = $0/38$ ، $001/0 < p$) و بعد نگرش رفتاری (بتا = $0/29$ ، $01/0 < p$) بیشترین نقش را در پیش‌بینی کیفیت تعاملات آموزشی ایفا می‌کنند.

۲-۴. یافته‌های کیفی

تحلیل محتوای مصاحبه‌ها منجر به شناسایی چهار تم اصلی و ۱۴ کد فرعی شد که در ادامه به تشریح آنها پرداخته می‌شود:

تم اول: «زبان مادری به مثابه پل ارتباطی»

بیشتر معلمان (75%) بر اهمیت آشنایی با زبان تاتی برای برقراری ارتباط اولیه با دانش‌آموزان تأکید داشتند. یکی از معلمان با ۱۵ سال سابقه بیان کرد:

«در روزهای اول سال تحصیلی، اگر معلم چند کلمه به زبان تاتی با بچه‌ها حرف بزند، دیوار بی‌اعتمادی فرو می‌ریزد. بچه‌ها می‌بینند که معلمشان آنها را درک می‌کند و این خیلی به ایجاد ارتباط کمک می‌کند.» (معلم شماره ۴)

تم دوم: «درک فرهنگی، شرط اساسی تعامل مؤثر»

معلمان (۶۵٪) بر این باور بودند که آشنایی با فرهنگ تاتی (آداب و رسوم، ارزش‌ها، باورها) به اندازه آشنایی با زبان مهم است. یکی از معلمان گفت:

«وقتی می‌دانم دانش‌آموزم در چه فرهنگی بزرگ شده، بهتر می‌توانم رفتارهای او را درک کنم. مثلاً در فرهنگ تاتی، احترام به بزرگترها خیلی مهم است. اگر من این را ندانم، ممکن است رفتار دانش‌آموز را اشتباه تفسیر کنم.» (معلم شماره ۹)

تم سوم: «چالش‌های نبود آشنایی با زبان و فرهنگ»

معلمانی که آشنایی کمی با زبان و فرهنگ تاتی داشتند (حدود ۳۰٪ نمونه)، با چالش‌های متعددی مواجه بودند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

درک ناقص مفاهیم توسط دانش‌آموزان: «وقتی من یک مفهوم را به فارسی توضیح می‌دهم، برخی دانش‌آموزان تاتی زبان آن را کامل نمی‌فهمند و من نمی‌توانم تشخیص بدهم که مشکل از کجاست.» (معلم شماره ۱۳)

خستگی و بی‌حوصلگی معلم و دانش‌آموز: «وقتی می‌بینم با وجود تلاش زیاد، دانش‌آموز نمی‌فهمد، خسته و ناامید می‌شوم. دانش‌آموز هم خسته می‌شود و انگیزه‌اش را از دست می‌دهد.» (معلم شماره ۷)

گوشه‌گیری و انزوای دانش‌آموزان: «دانش‌آموزی که زبانش را در کلاس نمی‌شنود، کم‌کم منزوی می‌شود و با دیگران ارتباط برقرار نمی‌کند.» (معلم شماره ۲)

تم چهارم: «راهکارهای مؤثر در تعامل با دانش‌آموزان تاتی‌زبان»

معلمان موفق، راهکارهای زیر را برای بهبود تعاملات خود با دانش‌آموزان تاتی‌زبان به کار می‌بردند:

یادگیری واژگان پایه تاتی: «چند کلمه کلیدی به زبان تاتی یاد گرفتم تا در موقعیت‌های ضروری استفاده کنم. همین کار کوچک، تأثیر شگرفی در ارتباطم با دانش‌آموزان داشت.» (معلم شماره ۱۱)

استفاده از بازی‌های بومی: «بازی‌های محلی که بچه‌ها در خانه با آنها آشنا هستند را در کلاس اجرا می‌کنم و مفاهیم درسی را در دل آن بازی‌ها می‌گنجانم.» (معلم شماره ۱)

ارتباط با والدین: «با والدین دانش‌آموزان ارتباط دارم تا از فرهنگ و زبان آنها بیشتر بدانم و آنها را در فرآیند یادگیری فرزندانشان مشارکت دهم.» (معلم شماره ۵)

ایجاد فضای احترام به تنوع: «در کلاس به دانش‌آموزان یاد می‌دهم که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، یک فرصت است نه تهدید. به دانش‌آموزان تاتی‌زبان افتخار می‌کنم که به زبان مادری خود مسلط هستند.» (معلم شماره ۸)

۵. بحث و تفسیر یافته‌ها

۵-۱. رابطه نگرش معلم و کیفیت تعاملات آموزشی

یافته اصلی این پژوهش، یعنی وجود رابطه مثبت و معنادار بین نگرش معلمان به زبان و فرهنگ تاتی با کیفیت تعاملات آموزشی آنان، با یافته‌های پژوهش‌های پیشین در حوزه آموزش در مناطق دوزبانه همسو است. این یافته نشان می‌دهد که نگرش معلمان صرفاً یک متغیر روان‌شناختی درونی نیست، بلکه تأثیری مستقیم و قابل‌مشاهده بر رفتار حرفه‌ای آنان در کلاس درس دارد.

نگرش مثبت به زبان و فرهنگ بومی، از چند مسیر بر کیفیت تعاملات تأثیر می‌گذارد. نخست، معلمانی که نگرش مثبت دارند، با انگیزه و اشتیاق بیشتری به برقراری ارتباط با دانش‌آموزان خود می‌پردازند. آنان زمان و انرژی بیشتری را صرف شناخت دانش‌آموزان، نیازها و چالش‌های آنان می‌کنند. دوم، نگرش مثبت، به ایجاد فضایی از اعتماد و احترام متقابل در کلاس منجر می‌شود که خود پیش‌شرط اساسی هرگونه تعامل آموزشی مؤثر است.

۵-۲. نقش تعدیل‌گر آشنایی با زبان و فرهنگ

یکی دیگر از یافته‌های مهم این پژوهش، تأکید بر نقش آشنایی معلمان با زبان و فرهنگ تاتی به‌عنوان عاملی تعدیل‌گر در رابطه بین نگرش و رفتار است. معلمانی که نگرش مثبت داشتند، اما آشنایی کمی با زبان و فرهنگ

تاتی داشتند، در عمل با چالش‌های بیشتری مواجه بودند. این یافته نشان می‌دهد که نگرش مثبت، هرچند ضروری است، اما به تنهایی کافی نیست و باید با دانش و مهارت‌های عملی همراه شود.

این یافته با پژوهش‌های پیشین که بر اهمیت «دانش بومی» معلمان در مناطق دوزبانه تأکید داشته‌اند، همخوانی دارد. معلمانی که نسبت به زبان و فرهنگ دانش‌آموزان خود آگاهی دارند، می‌توانند:

مفاهیم انتزاعی را با استفاده از مثال‌ها و تمثیل‌های آشنا برای دانش‌آموزان توضیح دهند.

سوء تفاهم‌های فرهنگی را پیش‌بینی و مدیریت کنند.

از روش‌های تدریس متناسب با زمینه فرهنگی دانش‌آموزان استفاده کنند.

۳-۵. چالش‌های معلمان با آشنایی کم

معلمانی که آشنایی کمی با زبان و فرهنگ تاتی داشتند، با چالش‌های متعددی مواجه بودند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: درک ناقص مفاهیم درسی، خستگی و بی‌حوصلگی، و گوشه‌گیری دانش‌آموزان. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین در مورد چالش‌های تدریس در مناطق دوزبانه کاملاً همسو است.

بر اساس این پژوهش‌ها، نبود ارتباط زبانی مؤثر، نه تنها کیفیت یادگیری را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به احساس انزوا و کاهش عزت‌نفس در دانش‌آموزان دوزبانه منجر شود. از سوی دیگر، معلمانی که نمی‌توانند با دانش‌آموزان خود ارتباط مؤثر برقرار کنند، دچار فرسودگی شغلی و کاهش انگیزه می‌شوند که خود بر کیفیت تدریس آنان تأثیر منفی می‌گذارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۶-۱. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نگرش معلمان به زبان و فرهنگ تاتی و کیفیت تعاملات آموزشی آنان در کلاس‌های مقطع ابتدایی منطقه شاهرود انجام شد. یافته‌های کمی و کیفی نشان داد که بین نگرش مثبت معلمان به زبان و فرهنگ تاتی و کیفیت تعاملات آموزشی آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، مشخص شد که آشنایی معلمان با زبان و فرهنگ تاتی، به عنوان عاملی کلیدی، کیفیت این تعاملات را بهبود می‌بخشد.

بر اساس یافته‌ها، معلمانی که نگرش مثبت و آشنایی بیشتری با زبان و فرهنگ تاتی دارند، از راهبردهای مؤثرتری مانند استفاده از بازی‌های بومی، ارتباط با والدین، و ایجاد فضای احترام به تنوع فرهنگی در کلاس خود بهره می‌برند. در مقابل، معلمانی که آشنایی کمتری دارند، با چالش‌هایی نظیر درک ناقص مفاهیم، خستگی و گوشه‌گیری دانش‌آموزان مواجه هستند.

۲-۶. پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

الف) طراحی برنامه‌های توانمندسازی معلمان: آموزش و پرورش استان سمنان و شهرستان شاهرود، با همکاری مراکز دانشگاهی، برنامه‌های مدونی برای توانمندسازی معلمان شاغل در مناطق دارای دانش‌آموزان تاتی‌زبان طراحی و اجرا کنند. این برنامه‌ها باید شامل موارد زیر باشد:

آشنایی با زبان تاتی: آموزش واژگان پایه و عبارات کلیدی به معلمان.

آشنایی با فرهنگ تاتی: برگزاری کارگاه‌های آشنایی با آداب و رسوم، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی منطقه.

روش‌های تدریس در کلاس‌های چندفرهنگی: آموزش روش‌های تدریس متناسب با نیازهای دانش‌آموزان دوزبانه.

ب) تأکید بر نگرش مثبت در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان: در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم، به پرورش نگرش مثبت نسبت به تنوع زبانی و فرهنگی توجه ویژه شود و دانشجو-معلمان برای مواجهه با کلاس‌های چندفرهنگی آماده شوند.

ج) تدوین سیاست‌های آموزشی منعطف: سیاست‌گذاران آموزشی، امکان استفاده از زبان مادری به عنوان پل ارتباطی در فرآیند آموزش را فراهم کنند و راهبردهای مشخصی برای آموزش در مناطق دوزبانه تدوین نمایند.

د) ایجاد شبکه ارتباطی میان معلمان: با تشکیل گروه‌های همیاری و شبکه‌های ارتباطی میان معلمان شاغل در مناطق تاتی‌زبان، زمینه برای تبادل تجربه و دانش میان آنان فراهم شود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به قابلیت تعمیم‌پذیری محدود به دلیل تمرکز بر منطقه شاهرود و حجم نمونه اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با نمونه‌های بزرگ‌تر و در مناطق دیگر دارای جمعیت تاتی‌زبان انجام شود. همچنین، پژوهش‌های مداخله‌ای با هدف بررسی اثربخشی برنامه‌های توانمندسازی معلمان بر کیفیت تعاملات آموزشی، زمینه پژوهشی ثمربخشی خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. بلوچ‌زاده، ف. (۱۳۹۸). نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی در رشد هوش هیجانی دانش‌آموزان ابتدایی. مجله پژوهش در آموزش ابتدایی، ۶(۲)، ۱۱۹-۱۰۴.

۲. رستمی، ل.، و شاکریان، س. (۱۴۰۲). ارزیابی مهارت‌های ارتباطی و پیش‌بینی تأثیر هوش هیجانی بر مؤلفه‌های آن در کارکنان نظام سلامت. مجله تحقیقات سلامت در جامعه، ۹(۲)، ۷۶-۶۶.

۳. فارسی، ز.، و نعمت‌اللهی، م. (۱۳۹۶). هوش هیجانی و عوامل مؤثر بر آن. اولین همایش ملی مدیریت با رویکرد اقتصاد مقاومتی، تهران.

۴. قهرمانی، ح.، کارگشا، م.، و کهنسال، ی. (۱۴۰۴). رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی با سازگاری دانش‌آموزان در مدرسه. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و سبک زندگی سالم، دانشگاه تهران.

۵. Teachers' attitudes towards teaching in ۲۰۱۳ Ghaemi, F., & Mohammadbeigi, F. (formal vs. informal ELT contexts. Vira Science.

۶. Attitudes towards Tati language ۲۰۲۳ Majidifard, E., & Hajmalek, M., & Rezaei, S. (among its native speakers in western Iran. In A. Sedighi (Ed.), Iranian and Minority Languages at Home and in Diaspora. Berlin: Mouton de Gruyter.

۷. Armenian language and identity in Iran: The case of ۲۰۲۳ Rezaei, S. & Farnia, M. (Iranian Armenians of Isfahan. In A. Sedighi (Ed.), Iranian and Minority Languages at Home and in Diaspora. Berlin: Mouton de Gruyter.